



ابزار تفرقه

یک ملی گرانی، دو اختلافات مذهبی.

ملی گرانی

«از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان طرح و عمل استعمارگران در تبلیغ آن پیاخته اند قومیت و ملیت است...»

۵۹/۶/۲۱

ملیت و ملی گرانی از دیرباز در میان کشورهای مختلف طرفداران فراوانی داشته است و خصوصاً در میان اقوام و طوائفی که زندگی و روابط اجتماعی آنان را یک تفکر مکتبی منسجم و ایدئولوژی مشخص تنظیم نمی کند تعصبات ملی جاذبه فراوانتری دارد و به میزان رشد فرهنگی و سیاسی آنها و به میزان وسعت نگرش جوامع و عمق جهان بینی آنها ملی گرانی کاربرد کمتری دارد و در میان پروان مذاهسی که برای مذهب مورد قبول خود رسالتی جهانی قائلند و اصول مذهب خود را جهانشمول می دانند، ملی گرانی یک ضد ارزش تلقی میشود و اکنون با قطع نظر از اینکه ملی گرانی ضد ارزش هست یا نه، باید اعتراف نمود که قدرتهای سلطه گر که همیشه از ابزار تفرقه برای تحکیم حکومت خود استفاده برده اند ملی گرانی را به مثابه یکی از کارآمدترین ابزار خود انتخاب نموده و در این راه تلاش فراوانی نیز کرده اند و از این رهگذر ملت‌های مختلف را نسبت به سرنوشت یکدیگری تفاوت ساخته اند و حتی وادار به صف آرایی در برابرهم نموده اند و در این راه حتی در میان یک ملت و افراد یک کشور اقوام مختلف وادیه بهانه های اختلاف در زبان و آداب و رسوم و فرهنگ و حتی فاصله های جغرافیائی به کینه توزی با یکدیگر برانگیخته اند و از زبان هر یک مطالبی در توهین و تحقیر دیگری ساخته و رائج نموده اند. امام ملی گرانی را در حد محبت نسبت به وطن دوستی نسبت به اهل وطن، حفظ حدود کشور و بهم پیوستگی در دفاع از نهاجم دشمن همه اینها را می پذیرند و نفی نمی کنند ولیکن:

«ملی گرانی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم (ص) برخلاف آنست و آن ملی گرانی که به دشمنی بین مسلمانان و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می شود برخلاف اسلام و مصاحت مسلمانان و از حیله های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می برند.»

۵۹/۶/۲۱



هَمَّزًا بَا اِنَامًا بَسُوکًا

حج

پایگاه انقلاب جهانی اسلام

حجة الاسلام والمسلمین موسوی خوئینی ها

طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان، که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بی‌خبر آنان از آن جمله و عظام السلاطین که از سلاطین جور سیاه‌روی‌ترند ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند.

امام خمینی

«طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بی‌خبر آنان از آن جمله و عظام السلاطین که از سلاطین جور سیاه‌روی‌ترند ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند و گریبان‌چاک می‌کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند...»

۶۰/۶/۱۵

در شرانگی که قدرتهای بزرگ استکباری در پی برچیدن اساس اسلام و مسخ اصول آن هستند آیا اختلاف بین مذاهب مختلفه اسلامی بر سر هر مسکه‌ای که باشد و به هر اندازه‌ای هم، جز یک پدیده شیطانی است که مسلمین را از دشمن مشترک غافل می‌کند و او را به حال خود رها می‌سازد؟ اختلافی که هر یک از دو طایفه بزرگ دیگری را تضعیف کند و حتی اسرائیل را بر برادر مسلماتش ترجیح دهد آن یکی از اینکه اسرائیل برادر سنی اش را می‌کشد خوشحال شود و آن دیگری از اینکه شیعیان قتل عام می‌شوند مسرور باشد!! و عجباً که دشمن با دست مزدورانش در ایام حج به این پدیده شیطانی دامن می‌زند؛ مراسمی که برای اتحاد و اتفاق است؛ مراسمی که همه مسلمانان با هر مذهب و اعتقادی در یک زمان باید در آن موافق کریمه اجتماع کنند و این عبادت بزرگ را انجام دهند و این خود بهترین دلیل است که باید اختلافات مذهبی کنار گذاشته شود و هر گز مانع اتحاد مسلمین علیه دشمن مشترک نباشد.

«در مراسم حج ممکن است اشخاصی از قبیل ملاهای وابسته به خود را و ادا کنند که اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کنند و آنقدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعضی ساده‌دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند برادران و خواهران هر دو فرقه باید هوشیار باشند و بدانند که این کوردلان جیره‌خوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر می‌خواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین برچینند یا لاقبل به انحراف کشانند. برادران و خواهران باید بدانند که آمریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمنند چرا که اسلام و کتاب و سنت را خراب‌راه خود و مانع از

قرآن کریم همه مردم را از هر قوم و طایفه و قبیله و ملتی مورد خطاب قرار داده و همه را یکسان به اسلام دعوت نموده است و سپس همه پیروان خود را از هر ملتی در برابر هم مسئول می‌داند و دفاع از حقوق مستضعفان را تا سرحد جنگ با پایمال کنندگان این حقوق بدون توجه به ملیت مظلوم و با ظالم و ظیغه همه پیروان اسلام میدانند و سستی کنندگان در این مهم را مستحق توبیخ می‌شناسد:

«مَالِكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا» و تمامی آیاتی از قرآن کریم که تکالیفی را بر عهده مسلمانان نسبت به یکدیگر قرار داده است بدون توجه به ملیت آنان مکلف ساخته است و نیز پیامبر اسلام و خلفاء آنحضرت رهبری کل مسلمانان را بر عهده دارند و رهبری واحد برای همه مسلمانان خود به مفهوم نفی ملّی‌گرایی است زیرا همه مسلمین تحت یک فرمان و برای یک هدف حرکت می‌کنند و ملّی‌گرایی در مضمون خود تفرقه و جدائی از یکدیگر را حتی در رهبری پذیرفته است و دشمنان ملت‌ها نیز برای تسلط بر آنها از این عامل حداکثر استفاده را نموده‌اند.

اختلافات مذهبی

«از ملّی‌گرایی خطرناکتر و غم‌انگیزتر ایجاد اختلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است و انقضاء تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی ساز بین برادران اسلامی است...»

دشمنان ملت‌های مسلمان که دریافتند با توجه به تعالیم اسلام ملّی‌گرایی رنگ و روئی ندارد و کار برد لازم برای ایجاد تفرقه را از دست داده است، به توطئه دیگری دست زدند که خطرناکتر از اولی بود؛ خطرناکتر از آنجست که اسلام و اصول مترقی آن توانست ملّی‌گرایی و تنگ‌نظریهای ناشی از آن را از میان بردارد. اصول جهانی اسلام به مسلمانان آموخت که ملّی‌گرایی زندانی شدن در حصار تنگی است که در محور شأن انسان جهانی با رسالتی بوسعت سراسر تاریخ نیست. انسان مسلمان با باورهای دینی ملّی‌گرایی را بطور طبیعی و منطقی نفی می‌کند، از این رو دشمن به مبارزه، با آن برخاست و اعتقادات گروه‌های مختلف اسلامی را وسیله‌ای برای تفرقه و ورود روئی قرار داد تفاوت‌های اعتقادی در اسلام با توجه به میدان وسیعی که تعالیم آن برای اندیشه‌ها قائل است و آزادی در تفکر و ارزش انسانی می‌شمارد، امری طبیعی است ولیکن این تفاوت‌های اعتقادی را وسیله برای اختلاف و تفرقه و صف‌آرایی در برابر هم قرار دادن جنایاتی است که به دست قدرتمندان انجام شده است، اسلامی که مابین خود و سایر ادیان امکان وحدت می‌بیند و از آنان دعوت می‌کند که: «تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله...» بسیار غم‌انگیز است که در میان پیروان خود شاهد اختلاف و تفرقه باشد.



بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می کنند از هر کشوری که هستند لازم است برای بیداری ملت‌ها بیانیه‌های مستدلّی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین مسلمین توزیع نمایند.

امام خمینی

چپاولگری شان می دانند».

اختلافات گروهی و خط بازی‌ها

یکی از آفت‌های همه انقلابات که تا مرز تهدید موجودیت اساس انقلاب و اصول اهداف آن خطرناک است، اختلافاتی است که پس از پیروزی مقطعی انقلاب مابین طرفداران آن و حتی هدایتگران انقلاب پدید می آید. اختلاف بر سر شیوه‌های اجرایی اهداف انقلاب؛ اختلاف بر سر تفسیر برخی از اصول اعلام شده انقلاب؛ اختلاف بر سر چگونگی تثبیت و تداوم انقلاب و اختلاف بر سر هر مسئله‌ای که هر کسی و یا هر گروهی مدعی است که تنها او انقلاب را می فهمد و تنها او می داند که چگونه باید آنرا حفظ کرد و مدعی است که دیگران با شیوه‌های خود، با تفسیرهای خود، با تحلیل‌های خود و بالاخره با برداشتهای خود، انقلاب را به بیراهه کشانده نابودش می سازند و از همینجا است که برای هر یک کوبیدن دیگری و دیگران، مشروع و حلال می شود! بدنام نمودن و از صحنه بیرون راندن مخالفان، هر که و هر گروهی باشد حتی هم‌زمان دبروزه، حتی هم آنان که کیودی نازیاده طاغوت و دشمن مشرک و دشمن اساس و اصل انقلاب هنوز بر کرده آنان باقی است و دردناکتر آنکه اختلاف این هم‌سنگران دبروزی مجال گستاخی به کسانی می دهد که تا همین دبروز و حتی تا پایان روز و تا لحظه سقوط طاغوت و حتی پس از آن هنوز جرأت نزدیک شدن به صحنه درگیری و مبارزه را نداشته‌اند که مبدا انقلاب سقوط کند و طاغوت برگردد، مجال می دهد تا در پشت پرده با چند چهره انقلابی دبروز سنگر بگیرند و انقلابی تراز هر انقلابی نمی مدعی حراست از انقلاب و دستاوردهای آن شوند و به باران اصلی انقلاب حمله نموده بدنام سازند تا از صحنه خارج نمایند تا شاید جانی برای خود باز کنند!! و چه اشتباه بزرگی مرتکب می شوند آنان که این نامردمی‌ها را بحساب حمایت از خود و از خط خود می پذیرند و به اینان بمثابة باران راه دلخوش می دارند.

در اینجا سخن بر سر این نیست که این ادعاها و یا این اعتقادات همه بیجا و بر باطل است، نه هرگز! و چه بسا و شاید هم برخی از این شیوه‌ها و برداشتهای تحلیلها و تفسیرها صحیح باشد و حتی صحیح و حق مطلق و ادعاها و اعتقادات و درک دیگران همه بر باطل باشد؛ اما اولاً، چه کسی حق دارد که نسبت به اندیشه‌های خود و افکار دیگران اینگونه قضاوت کند چه کسی؟! و جز در میان یاران و اصحاب پیامبر تنها یک نفر و آنهم امام معصوم چه کسی می تواند این چنین ادعائی داشته باشد؟ و اما آیا آنهم که چنین حقی داشت آیا اجازه داد که بر سر اختلاف در مواضع اصولی و خدشه ناپذیرش، حرکت انقلاب متوقف شود و به آن نامرد فرصت طلب مسلمان‌نمای روزگار خود پاسخی دندان شکن داد و دست رد به سینه نامرزش زد، و از این برخوردار اصولی باید همه انقلابیون

تاریخ درس بگیرند و پند بیاموزند که چگونه اصیل‌ترین عنصر انقلابی و نزدیکترین بار رهبر با همه اطمینانی که به درستی راه خود داشت اما اجازه نداد نه خود و نه پارانش و نه فرصت طلبهای چهره عوضی کرده، از نام او و راه او علیه دیگران خط و نشان بکشند و چه آموزنده است این قطعه از تاریخ اسلام که چه کسی بیش از همه به فکر انقلاب و سرنوشت آینده انقلاب بود.

اینجاست که باید نسبت به اختلاف و تفرقه افکنی به بهانه حفظ اصول انقلاب، از ناحیه هر کس و هر گروهی که باشد، بدبین بود و از آن اجتناب نمود و اختلاف را پدیده شیطانی دانست که از هوای نفس و خواهش‌های نفسانی پنهان شده تغذیه می شود؛ خواهش‌هایی که در دوران انقلاب و در فراز و نشیبهای آن، مورد غفلت عنصر انقلابی بوده است و لذت مبارزه با دشمن و شیرینی مقاومت در برابر ستم، این هواها و خواهشها را ارضاء می کرده است و اکنون که طاغوت رفته و این هواها مانده است، طاغوت رفته و لذت اشباع کننده سرافرازی مبارزه و مبارز بودن و اکنون باید طاغوت دیگری پیدا کرد و حتی اگر پیدا نشد از هم‌راهان باید این طاغوت را ساخت!! و با آن به جدال برخاست!! و چه عبرت انگیز است تاریخ انقلاب‌ها و باز بر می گردیم به کلام امام که:

«در مراسم حج ممکن است اشخاصی از قبیل ملاحی وابسته به خود را وادار کنند که اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کنند و آنقدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعضی ساده‌دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند...».

آری! حتی اختلاف بین شیعه و سنی که در تشیع سخنی بسیار متین و مستدل داریم، سخنی جذاب حتی برای امروز و برای جهان معاصر، یک نظریه انقلابی در مسله رهبری خصوصاً قابل عرضه در جهان معاصر و برای انقلابیون زمان؛ اما با همه این حقانیت و اصالت باز هم اگر بهمین بهانه، ایجاد اختلاف شود قطعاً یک پدیده شیطانی است. آخر چگونه ممکن است یک پدیده شیطانی نباشد که کاروانیان دزین راه به جدال برخیزند و راهزنان به کاروان بنازند و هر آنچه هست بغارت ببرند و آنگاه که بکفر و یا یک گروه از کاروان از این جدال پیروز بدر آمد و همه رقیبان را از صحنه خارج ساخت نه اصولی بر جای مانده باشد و نه انقلابی و نه اسلامی! آیا این اختلاف یک پدیده شیطانی نیست؟ اینجاست که امام امت اختلاف را با هر رنگ و بوئی که باشد چه در داخل کشور و چه در جهان اسلام محکوم می کند و بیش از هر چیزی و هر واجبی، بروحدرت تا کبید و توصیه و سفارش می نماید که:

«هان ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام به

هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران بپاخیزید و دست اتحاد بهم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید.

امام خمینی

خود آئید و به این اقبانوس الهی متصل شوید...»
ص ۱۵۵.

«هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید...»

۶۰/۶/۱۵

وظیفه علماء و خطباء و نویسندگان

در ضمن بیان و معرفی جبهه اختلاف آفرینان و تفرقه افکنان، روشن شد که تلاش سنگینی در جریان است تا وحدتی ایجاد نشود و همیشه همچنان آتش اختلاف شعله ور باشد و این تلاش سنگین متقابلاً جهادی مستر و اصولی و عمیق را طلب می کند، معرکه ای است که برای مقابله با دشمن، نیروهای ویژه ای را می خواند و می خواهد نیروهای کارآموده ای که توان مقابله با اختلافات مذهبی را داشته باشند، نیروهای آموزش دیده ای که نه تنها خود در دام لجنزار مفسی گراشی غوطه ورنشوند و نه تنها در تارهای عنکبوتی پندیده شیطانی اختلافات مذهبی گرفتار نیایند و نه تنها شکوه زیبایی کاسهای سلاطین و ظمظراق دربارها آنان را مسحور و مسحور خود نسازد بلکه با بصیرت و شجاعت و درایت لازم بر همه این شیطنتها و شیاطین بشویند و پرده های ریا و تزویر آنان را پاره کنند و مردم و ملتها را بیدار سازند و گرفتاریها و بدبختیهای ناشی از تفرقه و اختلافات را به آنان گوشزد نمایند و از ظلمات شرک و کفر که اوج نقطه اختلاف و تفرقه است خارج کنند و در نورانیت توحید که شعار همه موحدان است وارد سازند و این مهم ساخته نیست جز از علماء و دانشمندان که از صدر اسلام تا کنون پرچمدار اتحاد بوده اند، علماء ربانی که همیشه در برابر دربارها و آخوندهای درباری قیام کرده و بسیاری نیز بر سر این تکلیف الهی جان باخته اند.

«عقلا و علمای اسلام از صدر اسلام تا کنون کوشش کردند تا اینکه مسلمین همه باهم مجتمع باشند و همه بر غیر مسلمین ید واحد باشند... و علمای بیدار اسلام دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده اند به اینکه مسلمین را تحت لوای اسلام، به وحدت و یگانگی دعوت کنند.»

(از بیانات امام در ۵۹/۸/۱۶)

این جهاد مقدس علیه جبهه های «زور» و «تزویر» از یک عالم هر چند مجاهد و فداکار به تنهایی ساخته نیست و از علماء مجاهد و بیدار یک کشور حتی کارساز نیست هر چند که هر قیامی برای خدا از یک یاد و نفر آغاز شده است لیکن در اجتماع حج این فرصت طلایی!!! (نه تعبیری زور پرستانه است) این فرصت الهی که همه ساله برای مسلمین دست می دهد لازم است علماء و روحانیون دلسوز بحال ملتها اجتماع کنند و با هم تبادل نظر نمایند و آنان خود ابتدا متحد شوند تا مسلمین را به اتحاد دعوت نمایند و تا با قدرت در برابر آخوندهای درباری و در مقابل قدرتهای شیطانی به مقابله برخیزند؛ اگر علماء متعهد بلاد اسلامی از سراسر جهان در ایام حج و در مکه و از کنار خانه خدا اعلام اتحاد کنند و مسلمین جهان را برای مقابله با دشمنان اسلام و کشورهای اسلامی به مبارزه دعوت نمایند، آنچنان تأثیری خواهد گذاشت که یک ساله ده صد ساله طی خواهد شد.

«بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می کنند از هر کشوری که هستند لازم است برای بیداری ملتها بیانه های مستدلّی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت نشر دهند و در آن بیانیه ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب العین خود قرار داده، اختلاف را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره یابند.»

(از پیام امام به زائران بیت الله در بهمن ۱۳۵۹)

حمله برفتنه جهانی

در این جهاد مقدس تنها از یک جبهه حمله و هجوم بردشمن کافی نیست باید از هر سوی بر این فتنه جهانی حمله کرد، خطبا از همه تریبونهای که در اختیار دارند باید برفتنه اختلاف و تفرقه حمله کنند، نویسندگان از سنگر کتابها مجلات؛ روزنامه ها و اعلامیه ها بردشمن اتحاد مسلمین حمله کنند، فقهاء در فتاوی فقهی خود بر حرمت اختلاف و وجوب اتحاد و هماهنگی تأکید کنند و آنقدر این حملات را پی در پی و مکرر انجام دهند که مجال تفکر را از دشمن بگیرند و این گفتنها و نوشتنها و فتواها آغاز مبارزه است و باید آنقدر مستمر باشد تا سرانجام مسلمین جبهه واحد مستضعفین را تشکیل دهند تا در این جبهه همه گروهها و ملتها و کشورها با هر مذهبی از مذاهب اسلامی



و از جمله وظایف در این اجتماع عظیم دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلاف بین طبقات مسلمین است.

امام خمینی

جهان اسلام برای رهایی از ذلتها و اسارتها که اکنون گرفتار آن است، نیاز به یک نهضت عمومی دارد و این نهضت عمومی اسلامی انجام نمی شود جز به اتحاد مسلمین و این اتحاد محقق نمی شود جز به یک حرکت جهادی از طرف همه کسانی که فرهنگسازان جامعه هستند از همه عالمان روشنگری که از مسائل موجود و مصائب کشورهای اسلامی رنج می برند، همه باید دامن هفت به کمرزنند و با کوشش و فداکاری به این تکلیف الهی عمل کنند.

«اکنون بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می برند ... با هر وسیله ممکن ... مسلمانان را هشدار دهند... و آنان را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند...».

(پیام امام بمناسبت عید قربان ۶۳/۶/۷)

گردم آیند و شعار محوری آنان کلمه مبارکه «لا اله الا الله» باشد که تا چنین نشود بر کفر و استکبار که در این زمان آهنگ پرشایی را علیه اسلام و مسلمین آغاز کرده است غلبه نخواهد یافت.

«و از جمله وظایف در این اجتماع عظیم دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلاف بین طبقات مسلمین است که خطیبا و گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند و کوشش کنند در بوجود آوردن جبهه مستضعفین که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار «لا اله الا الله» از تحت اسارت قدرتهای شیطانی اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند».

آثار و منافع وحدت

وحدت بین مسلمین آنقدر دارای آثار خیر و منافع پربرکت است و آنچنان تضمین کننده سعادت مسلمین و اعتلاء اسلام است که اگر گفته شده است «اسلام دین وحدت و آئین اتحاد و یگانگی است» سخنی بجا و کلامی متفن است. اولین اثر مبارک و وحدت، از میان رفتن همه زیانها و خساراتی است که از ناحیه تنازع و اختلاف بر امت اسلامی وارد می شود، زیان سست شدن ارکان قدرت جامعه اسلامی و زیان از بین رفتن شکوه و عظمت مسلمین که اگر جز همین اثر، آثار دیگری نبود برای اثبات ضرورت ایجاد اتحاد و حرمت اجتناب از اختلاف کافی بود ولیکن برکات این جمل الله المنین، آنقدر فراوان است که در این مجال فرصت احصاء و بیان آن نیست و ما با استمداد از کلام امام به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- ۱- آزادی فلسطین (از پیام سال ۴۹).
- ۲- غلبه بر مشکلات.
- ۳- بیرون آمدن از تحت اسارت قدرتهای شیطانی اجانب و استعمارگران و استثمارگران (از پیام سال ۵۸).
- ۴- احتیاج نداشتن به کشورهای غیر اسلامی (از بیانات امام در سال ۵۸).
- ۵- بیرون کردن این جزئومه فساد (آمریکا) از تاریخ و لافل از معالک اسلامی (از بیانات امام در سال ۵۸).
- ۶- رها شدن از جنگال پلید ابرقدرتها (از پیام سال ۵۹).
- ۷- دفاع از اسلام و مقدرات خود.



مسلمین باید در حج وقتیکه میروند یک حج زنده، یک حج کوبنده، یک حجی که محکوم کننده این شوروی جنایتکار و آن آمریکای جنایتکار باشد انجام دهند، یک چنین حجی مقبول است.

امام خمینی

عبادی. سیاسی و مجمع جهانی اسلام مطلبی ابراد می کند بدون استثناء از وحدت نیز سختی می گوید و بدان تأکید دارد و از اختلاف و تفرقه انداز می دهد به امید روزی که چنین شود.

در اینجا مناسب است برخی مسائل یادآوری شود که حجاج محترم باید آنها را رعایت کنند و تأثیر فراوانی در ایجاد روح اتحاد دارد و کمترین نفعش نمایش وحدت است و لاف اقل اینکه از بیشتر شدن شکاف بین صفوف مسلمین جلوگیری می کند:

۱- «لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند»

(از پیام امام ۱۳۵۸/۶/۲۹)

اصولاً منشأ اختلاف و تفرق جهل و بی خبری از واقعیات و از حقائق است و اتحاد و هماهنگی زائیده علم و آگاهی است بنابراین اعمال جاهلانه همواره به اختلاف دامن می زند و چنانچه هر حرکت و عملی بر اساس علم و درک صحیح از واقعیات باشد اثر وحدت بخش به همراه خود دارد پس اگر حجاج محترم خود را موظف بدانند که هر عملی و هر عبادتی را ابتدا از علماء آگاه به زمان و شرائط زمان بیاموزند و آنگاه انجام دهند تا عمل آنان آگاهانه باشد و نه جاهلانه موجب وحدت است و بازدارنده از تفرق صفوف مسلمین.

۲- «لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند».

(از پیام امام ۱۳۵۸/۶/۲۹)

برخی حجاج محترم بعثت غفلت و گاهی تلقینات علماء جاهل!!! در نماز جماعت و گاهی بسیار پرشکوه مسلمانان در ایام حج و در حرمین شریفین شرکت نمی کنند یا به جهت آنکه نماز آنان را باطل می دانند و یا بدین عذر که در جماعات اهل سنت امکان انجام برخی از شرائط و واجبات نماز ممکن نیست مثلاً رعایت اتصال صفوف نمازگزاران بیکدیگر و یا سجده بر چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است و امثال این امور که همه اینها ناشی از جهل به مسائل شرعی است و طبق فتوای فقهاء بزرگ نه تنها نماز با جماعت برادران اهل سنت صحیح است بلکه نواب و اجر آن حتی در برخی شرائط از نواب نماز جماعت با امام جماعت شیعی پیشتر است و حتی در هنگامی که همه مردم از اطراف به محل اقامه نماز جماعت هجوم می برند و نماز در حال شروع است خارج شدن از مسجد و از نماز جماعت فرار کردن که موجب وهن شیعه میشود حرام است. برادران و خواهران خوبست کسی به تاریخ مراجعه کنند که

- ۸- نبراسیدن از بیهوشی قدرتمندان (از پیام سال ۶۰).
- ۹- کوتاه کردن دست جنایتکاران از سلطه بر مستضعفان جهان.
- ۱۰- عرضه نمودن مکتب ارژمند و مترقی الهی برجها (از پیام امام سال ۶۰).
- ۱۱- باز یافتن عزتی که خداوند برای مؤمنین قرار داده است.
- ۱۲- قطع دست مستکبران و عمال آنان از کشورهای اسلامی.
- ۱۳- باز گردانیدن مجد و عظمت اسلامی (از پیام سال ۶۰).
- ۱۴- کندن کلک این دو تا قدرت بزرگ (آمریکا و شوروی) و دیگر قدرتها که در این مناطق مشغول فساد هستند (از بیانات امام در سال ۶۲).
- ۱۵- شکستن بنها.
- ۱۶- قطع ریشه گرفتاریها.
- ۱۷- سوزاندن فساد از بن. (از پیام سال ۶۲).
- ۱۸- بریدن طمع جهانخوازان از مسلمین.
- ۱۹- رسیدن به زندگانی شرافتمندانه و ارزشهای انسانی (از پیام سال ۶۱).
- ۲۰- نجات اسلام از دست خونخواران (از بیانات سال ۶۳).
- ۲۱- یک نهضت عمومی اسلامی (از پیام سال ۶۳).
- ۲۲- تشکیل ارتش مشترک دفاعی دهها ملیونی زیر پرچم و یکصد ملیونی ذخیره (از پیام سال ۶۲).



اینها تنها آثاری است که ما از برخی پیامها و بیانات حضرت امام استقصاء نموده ایم و چنانچه تمامی مواردی که این پرچمدار اتحاد مسلمین در عصر ما توصیه هائی در ارتباط با وحدت کرده اند، بررسی شود، بسیاری از این به آثار و منافع این واجب الهی بی خواهیم برد و نیز روشن خواهد شد که چرا این پدر دلسوخته و مهربان امت اسلامی، فرزندان خود را بیش از هر چیزی به وحدت سفارش و وصیت می نماید خصوصاً هرگاه که از حج و از این کنگره عظیم



حج برای قیام ناس و اخوت و موَدّت بین مسلمین است، حقیقت حج این است که شما بروید درد مردم را ببینید.

امام خمینی

دودستگی و چنددستگی در برگزاری عید اسلامی را بنمایش بگذارد. خواهران و برادران با سایر مسلمانان هماهنگ و قوفین را انجام دهند و هیچگونه تردید و نگرانی بخود راه ندهند که نه تنها عبادت و حج آنان صحیح است بلکه ثواب آن بسیار بیشتر از عبادتی است که مایه اختلاف و بهانه به دست دشمن دادن است.

۵- از جمله اعمال جاهلانه که موجب وهن ایرانیان است اینکه گاهی برخی از حجاج هر چند که بسیار نادر چنین اتفاقی رخ داده است گویند قربانی را به دلیل رعایت احتیاط و اینکه در متنی انجام شود در داخل چادر ذبح می کنند که بسیار خطرناک است زیرا معلوم است با توجه به فشرده گی جمعیت خصوصاً با توجه به هوای بسیار گرم چه آلودگی خطرناکی ممکن است برای محیط ایجاد شود.

۶- «نیابت ازجی برای نماز طواف صحیح نیست باید هر کس خودش به هر نحو میتواند نماز بخواند و مُجَزی است از گرفتن نائب و از مزاحمت با نمازگزاران اجتناب نمایند».

(از پیام امام- ۱۳۵۸/۶/۲۹)

سه مطلب در این بند یادآوری و بدان سفارش گردیده است اول اینکه برای نماز طواف بعضی از حجاج محترم از فردی خصوصاً روحانی مورد اعتماد خود تقاضا می کنند که به نیابت از طرف آنان نماز طواف بخواند و توجه نمی کنند که نماز طواف هم مانند سایر نمازهای واجب است که وظیفه خود مکلف است انجام دهد و انسانی که زنده است برای انجام نمازهای واجب خود نمی تواند نایب بگیرد مثلاً نایب بگیرد که بجای او نماز صبح و یا ظهر و عصر و یا مغرب و عشاء بخواند و اگر به این دلیل نایب می گیرند که مثلاً قرائت نماز را نمی تواند صحیح انجام دهد و یا سایر شرایط و واجبات را نمی تواند مراعات کند باید توجه کند که اولاً واجب است قبل از رسیدن وقت نماز تمام مسائل لازم را فرا بگیرد و شرایط را فراهم کند و واجبات آنرا مراعات نماید و چنانچه وقت نماز فرا رسید و تا آخر وقت نیز نتوانست خود را کاملاً آماده کند بهمان ترتیبی که قادر است نماز را بخواند و کافی است و نمی تواند نایب بگیرد که بجای او تکلیف را انجام دهد و نماز طواف نیز چنین است پس مطلب دوم اینست که خودش نماز طواف را بخواند و سوّم اینکه در اطراف کعبه مقدّسه و در حجر اسماعیل و خصوصاً در پشت مقام ابراهیم از ایجاد مزاحمت برای دیگران بجهت انجام عبادت خود جداً اجتناب کند، گاهی بعضی از حجاج به منظور صحیح و سریع انجام دادن طواف از هیچگونه مزاحمت برای دیگران مضایقه نمی کنند از وارد کردن فشار به جمعیت و هل دادن سایرین به جلو و یا سایر

شرکت امیرالمؤمنین علیه السلام در نماز جماعت با امامت کاتبیکه خود با آنان در مسگه بسیار مهم و بلکه مهمترین مسگه اسلامی اختلاف داشت نه بخاطر ترس از آنان بود و نه انتخاب عملی که ثواب کمتری دارد بلکه آنحضرت در کمال اختیار در نماز جماعت شرکت می فرمود هرگز شنیده نشده است که پس از مراجعت به منزل نماز خود را اعاده می فرمود و روایت شده است که ثواب نماز با جماعت آنان ثواب نماز در پشت سر رسول خدا را دارد و اگر گذاشتن مهر و حتی تربت مقدّس کربلا موجب اختلاف شود باید از آن پرهیز نمود.

۳- «از انعقاد و تشکیل نماز جماعت در منازل و... اجتناب نمایند».

(از پیام امام ۱۳۵۸/۶/۲۹)

چه چیزی برای دامن زدن به اختلاف بدتر از اینکه دهها هزار و گاهی صدها هزار مسلمان در مسجد الحرام و با شکوهی ملکوتی مشغول نماز و عبادت باشند و در همان حال گروههای پنجاه نفره و حداکثر صد نفره در داخل ساختمانها و جدای از اقیانوس انسانیهای نمازگزار جماعات کوچک تشکیل دهند و از مجمع عظیم مسلمانان غایب بمانند و حضور خود را اعلام نکنند و این عبادت پرشکوه نماز جماعت را شکوهمندتر نسازند.

۴- «در وقوفین متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مُجَزی است اگر چه قطع به خلاف داشته باشد»

(از پیام امام ۱۳۵۸/۶/۲۹)

اولاً باید این تصور و یا تفکّر را از ذهن خود دور کنیم که برادران اهل سنت تعمد دارند در اینکه مثلاً در اعلام اول ماه ذی الحجه و قهراً اعلام روز نهم که واجب است وقوف با شرایط خاصی در عرفات و یا شب دهم که واجب است وقوف در مشرف تعمد دارند که خلاف واقع حکم کنند و عمداً در پی آند که عبادات خود را باطل نمایند نه بلکه آنها هم مانند ما با تحقّل مشقات و سختیهای فراوان برای انجام مناسک حج به آنجا آمده اند و تصمیم دارند حج صحیح انجام دهند و ثانیاً از کجا معلوم است که قضات آنان در اعلام روز نهم و روز دهم اشتباه کرده باشند و شهادت دهندگان در نزد آنان شهادت به دروغ داده اند و ثالثاً بر فرض اینکه حکم آنان اشتباه باشد آیا صحیح است که عبادت حج را هر کسی بنا به تشخیص خود انجام دهد مثلاً در دوروز مراسم وقوف در عرفات انجام شود و یا همچنین وقوف در مشرف و اعمال روز دهم و مسلمانان که در متنی اجتماع کرده اند هر دسته ای و گروهی روزی را عید بگیرند و آیا هدف شارع مقدّس اسلام این بوده است که حتی اختلاف و



ای مسلمانان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملتها پر خاش کنید.

امام خمینی

برود و مقصود این نیست که معاذات هندسی با دقت خط کشی یک مهندس نقشه کش را رعایت کند که هر کس به چنین راه رفتنی نگاه کند. بخندد و بی اختیار تمسخر کند. عجیب است که برخی این چنین افراط می کنند و بعضی چنان بی توجه به عملی که انجام می دهند که در حین طواف گاهی بر می گردند به عقب و گاهی پشت می کنند به کعبه و گاهی در حال راه رفتن رو به کعبه می روند که همه این حالات موجب اشکال در طواف می شود و باید به آن مقدار از طواف که با شرائطش رعایت نشده است مجدداً اعاده شود و طواف را تکمیل کند.

۸. «توجه داشته باشید که سفر حج سفر کسب نیست سفر تحصیل دنیا نیست سفر الی الله است... آقایان اهل علم و کاروانها و رؤسای کاروانها و سایر حجاج میباید این سفر را سفر تجارت قرار بدهید و امور تجاری در این سفر مطرح باشد، سفر، سفر الی الله است نه سفر به سوی دنیا، آلوده به دنیا نکنید».

(تزیینات امام ۱۳۵۸/۷/۸)

سنت سوغات در سفر خصوصاً سفر حج نه تنها زشت نیست که پسندیده است و مورد توصیه بزرگان دین ولیکن کسب و تجارت در سفر حج یعنی این سفر روحانی و الهی را بمنظور کسب و تجارت انجام دادن مذموم است و این دو موضوع یعنی سنت سوغات و سفر برای کسب و تجارت کاملاً از هم جداست سنت سوغات برای هدیه دادن به همسر و فرزند و پدر و مادر و سایر خویشان و بستگان که روزهائی را چشم براه مسافر خود برده اند که مسافران سالم از سفر برگردد هدیه ای بجا و لازم است و خود عبادتی دیگر است و اما کسب و تجارت با اینکه خود عملی پسندیده است خصوصاً اگر برای تأمین زندگی افراد تحت تکفل خود باشد لیکن نه در سفر حج که سفر الی الله است خصوصاً که ممکن است انسان در کسب و تجارت گاهی دستخوش وسوسه های شیطانی قرار بگیرد و رعایت احکام تجارت را نکند و با کسب حرام سفر حج و عبادت خود را نیز بی ارزش نماید البته بسیار بجا و لازم است که در وقت خرید سوغات عزت اسلامی و خصوصاً آبروی یک ابرائی انقلابی رعایت شود در گفتگو با فروشندگان و مغازه داران عزت و وقار خود را خصوصاً خواهران حفظ کنند در حمل و نقل سوغاتی های خریداری شده رعایت کنند که حرمت یک زائر خانه خدا حفظ شود و در اوقات نماز به خرید نپردازند و بازار را رها کنند و به طرف نماز جماعت روانه شوند.

اطراف و حتی گاهی به کمترین غفلتی از ناحیه سایر طواف کنندگان از فحاشی به آنان و حتی گاهی دیده شده است که از دست به گریبان یکدیگر انداختن و زد و خورد هم خودداری نمی کنند آیا هیچ توجه نمی کنند کجا هستند و در محضر چه کسی و در چه حالتی و با چه کسانی اینطور رفتار می کنند لازم است خواهران و برادران از قبل خود را آماده کنند و حدیث نفس نمایند و بخود توصیه کنند که صبور و بردبار باشند و مهیا شوند که هرگونه ناملائماتی را از طرف هر که باشد با آغوش باز استقبال کنند و به هیچوجه در حرم و در سعی و در هر یک از مواقف کربمه با کسی به متازعه و خصومت نپردازند خصوصاً با غیر ایرانیان در کمال رافت و عطف و رفتار نمایند و نیز بهنگام طواف متعرض نمازگزاران نشوند و یا در پشت مقام ابراهیم برای خواندن نماز طواف موجبات آزار و مزاحمت برای سایرین را خصوصاً بخاطر نماز مستحبی فراهم نکنند و از خوابیدن در حرم خصوصاً خواهران اکیداً خودداری نمایند و بهنگام رفت و آمد در حرم اگر دیگران نشسته و مشغول عبادتند و یا اگر خوابیده اند (هر چند کار بدی است) هیچگونه آزاری برای آنان فراهم نکنند و نیز از مقابل کسی که نماز می خواند عبور نکنند چون بعضی برادران اهل سنت این عمل را حرام می دانند و ملاحظه می شود که حتی گاهی نسبت به کسی که از مقابل نماز آنان حرکت کند با عصبانیت وی را از مقابل خود دور می کنند.

۷. «طواف را به نحو متعارف که همه حجاج به جا می آورند به جا آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می کنند احتراز شود و مطلقاً از کارهایی که موجب وهن مذهب است باید احتراز شود».

(از پیام امام ۱۳۵۸/۶/۲۹)

حجاج چون شنیده اند که بهنگام طواف باید شانه چپ معاذی بیت باشد از اینرو بجهت رعایت این حکم شرعی در حین طواف حالتی بخود می گیرند که هر بیننده ای را به تعجب وامی دارد و با خود می گوید که این اشخاص چرا و به چه منظور این حرکات مضحک را خصوصاً بهنگام عبور از مقابل حجر اسماعیل انجام می دهند و چرا مانند سایر مسلمین بطور عادی و متعارف راه نمی روند این خواهران و برادران باید توجه کنند که مقصود از اینکه شانه چپ به سمت کعبه باشد اینست که مثلاً از مقابل حجرالاسود که طواف را آغاز می کند به سمت حجر اسماعیل حرکت کند نه به عکس یعنی به سمت مستجار که قهراً شانه راست به سمت کعبه خواهد شد و نیز به نحوی طواف را انجام ندهد که صورت و جلوی اندامش مقابل کعبه باشد و پشت به اطراف پس بهمان ترتیبی که همه حجاج حرکت می کنند حرکت کند و بطور متعارف راه